

ماهنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی^۱

سال سیزدهم - شماره دوم - اردیبهشت ۱۳۹۹ - شماره پیاپی ۴۸

سبک‌شناسی قصاید مدهوش گلپایگانی

(صفحه ۲۳-۴۴)

مریم خزائیلی^۲ - مهرداد چترایی (نویسندهٔ مسئول)^۳ - عطا محمد رادمنش^۴

تاریخ دریافت و پذیرش: تابستان ۱۳۹۷

چکیده

محمدصادق گلپایگانی، متخلص به مدهوش، ادیب، شاعر و خطاط عصر قاجار و ملّاباشی حیدرقلی میرزا، فرزند فتحعلی‌شاه قاجار است. وی از جمله بهترین و مهمترین صاحب‌کمالان سرزمین گلپایگان، دیار علم و ادب بحساب می‌آید. مدهوش بجز فنون نظم و نثر، در علم عربی نیز شهره بوده است. وی از شاعران دوران بازگشت ادبی محسوب میشود. کلیات وی، مجموعه‌ای از منشآت، غزلیات، مثنویات، قصاید، رباعیات، قطعات و علاوه بر آن نوشته‌هایی تعلیمی و حکمی به نثر است؛ که هنوز آنگونه که بایسته است، شناسانده نشده‌اند. قصاید موجود در این مجموعه از نوع قصاید مدحی با زبانی ساده و روان و آرایه‌هایی دلنشین است که شناخت و معرفی آنها نیاز بمطالعه و بررسی ویژگیهای سبکی آن از جنبه‌های مختلف دارد. انجام پژوهش و مطالعه دربارهٔ این ویژگیها در عرصهٔ تحقیقات ادبی از ضرورتها بحساب می‌آید. بنابراین در این مقاله بررسی مختصات سبک‌شناسی قصاید مدهوش گلپایگانی در قلمرو ویژگیهای زبانی، فکری و ادبی پرداخته میشود.

کلیدواژه: مدهوش، قاجار، کلیات، قصاید، سبک‌شناسی.

۱- از ابتدای سال ۹۸ به دستور وزارت علوم، تمام مجلات علمی پژوهشی کشور به مجلات علمی تغییر نام داده‌اند.

۲- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

Mkhazaeili6@gmail.com

۳- استادیار زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

m_chatraei@yahoo.com

۴- استاد زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران

Ata.Radmanesh1394@gmail.com

Madhoosh Golpaigani's Odes Stylistics

Maryam Khazaeli¹-Mehrdad Chatraei (Corresponding author)²

Ata Mohammad Radmanesh³

Abstract

Mohammad Sadegh Golpayegani whose pseudonym is Madhoosh is belletrist, poet and calligrapher the Qajar era, and teacher of Heidargholi Mirza who is the son of Fath Ali Shah Qajar. He is one of the best and most prominent men who have bounty and perfection in Golpayegan land where is considered the land of science and literature. Madhoosh is also famous in Arabic sciences apart from the poem and prose techniques. He is a poet of the literary return period. His Koliat (collection of his poems) are a collection of essays, lyrics, odes, quatrains, and, in addition, educational writings and narratives in the form of prose that have not yet been identified as they are needed. The odes in this collection are kind of eulogy ode in the plain language and pleasant arrays which recognizing and introducing them need to study the style properties from different aspects. The research and study of these features in the field of literary research is a necessity. Therefore, the stylistic properties of Golpayegani's odes is investigated in the domain of linguistic, intellectual and literary characteristics.

Key word: Madhoosh, Qajar, Koliat, odes, stylistics.

¹ PhD student of Persian language and literature, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najaf Abad, Iran. Mkhazaeili6@gmail.com

² Assistant Professor of Persian Language and Literature, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran. m_chatraei@yahoo.com

³ Professor of Persian Language and Literature, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najaf Abad, Iran. Ata.Radmanesh1394@gmail.com

مقدمه

مدهوش گلپایگانی، شاعر، خطاط و ادیب دوره بازگشت ادبی در زمان قاجاریه است. کلیاتی که از وی به یادگار مانده، مجموعه‌ای از غزلیات، مثنویات، قصاید، رباعیات، قطعات، منشآت و نوشته‌هایی تعلیمی و حکمی به نشر است، اما بدلیل این که تاکنون چاپ نشده و نیز آنطور که بایسته آن بوده، شناسانده و ارزش‌گذاری نشده، در تاریخ ادبیات پارسی ناشناخته مانده است. بنابراین لازم است از جنبه‌های گوناگون به ارزشهای ادبی آن توجه شود و جایگاه و میزان اثر بخشی آن مورد بررسی قرار گیرد.

شناخت و معرفی قصاید این شاعر و نیز جایگاه ادبی آن، بدون شک با تحلیل و بررسی شاخصه‌های سبکی آن از جنبه‌های متفاوت و رویکردی به سبک‌شناسی آن بدست می‌آید. برای شناخت بارزترین ویژگیهای سبکی آن، تحقیقی روشمند لازم است که در این مقاله به آن می‌پردازیم.

موضوع اصلی این پژوهش، معرفی شخصیت و هنر قصیده‌سرایی مدهوش است که با شیوه سبک‌شناسی مرسوم کلاسیک در ادبیات فارسی و بر اساس متن تصحیح شده اشعار وی از روی نسخه اساس (نسخه کتابخانه ملی تبریز) بوسیله نگارندگان انجام گرفته است. مسلماً تحقیق و پژوهش در این اثر بجا مانده، بقلم چنین شخصیتی، ارزشمند است و میتواند قدر و ارزش ادبی این مجموعه را آشکار کند و باعث بازشناختن آن شود. علاوه بر آن، بشناخت بیشتر و بهتر این ادیب و شاعر دوره قاجار - که کمتر درباره وی اطلاعی در دست است - میتواند کمک کند.

درباره مدهوش گلپایگانی

ملاً محمدصادق گلپایگانی، ادیب، شاعر و خطاط عصر قاجار و دوره فتحعلی‌شاه بوده است. وی ملاباشی حیدرقلی میرزا، یکی از پسران فتحعلی‌شاه و حاکم گلپایگان بود. شاهزاده حیدرقلی میرزا، ضمن کارهای سیاسی و اداره حکومت آن دیار، اهل شعر و ادب بوده و خود نیز دستی در سرودن شعر داشته است.

«حیدرقلی میرزا، المتخلص به خاور، شاهزاده‌ای است به کمالات ظاهری موصوف و بحسن اخلاق در میان اهل آفاق معروف. در فن نظم طبع روشنی دارد و مضامین نیکو وزن می‌آورد. مدتی بر حسب امر شاهنشاه زمان، در دیار گلپایگان عراق در حکمرانی طاق بود و رفتار پسندیده‌اش مشهور آفاق» (تذکره خاوری، حسینی شیرازی: ص ۲۵).

در کتاب «سفینه‌المحمود» درباره مدهوش چنین آمده است: «اسمش محمدصادق، علماً

و عملاً عالم و معلّم است. اصلش از شهر گلپایگان است و هم در آن مدینه شام تا به بام، بابش ملاذ دانشمندان و درش جای سخندانان بوده. بهتر و مهمتر موزونان و صاحب‌کمالان آن دیار است. بسیار صادق‌القول و صداقت‌اندیشه است. بعد از مشرف ساختن نواب حیدرقلی میرزای شاهزاده آن ملک راه از کیاست بسیار و تیزهوشی، این سخندان را در بر خود خواند و بمنصب ملاباشی‌گری خود مزیتی بخشیدش. پس از کناره‌جویی از آن ملک، نواب معزی‌الیه از رسوم حقوق تفصّی نجست، هم با جنابش به دارالخلافت شد، مجملأ آدمی آدمی‌وش است و در حضر هم با اخلاصی خوش. نظماً و نثراً با بهره زیاد در علم عربیت با حظّ و نصیب در قلوب ناس محبوب «سفینه‌المحمود، محمود میرزا قاجار: ص ۳۱۲-۳۱۱» «وی در ابتدا (نزهت) و سپس (مدهوش) تخلص نمود» (گلپایگان در آئینه تاریخ، اشراقی: ص ۴۷۹).

برخی از شاعرانی که در دوران بازگشت ادبی در آسمان ادب این سرزمین نمایان شدند، آوازه چندی نسبت به دیگر شاعران مشهور این زمان نداشتند، ولی سبکی ممتاز داشتند. مدهوش نیز یکی از این شاعران است. به طوری که در یکی از قصایدش زبان به ستایش خود گشوده و شعرش را در مدیحه‌سرایی چون معجزه سحر میداند.

باش تا بینی کز یمن مدیحت گذرد پایه سحری شعر من از اعجازی (ملک: ۹۶).^۱

از جمله آثار مدهوش، «گنج‌البحر» که شامل اشعار فارسی است (دنا، درایتی، ج ۸: ص ۹۶۳)، «فلک‌النجات» در تاریخ معصومین (همان، ج ۷: ص ۱۱۳۲) و نیز «پندنامه یا مثنوی عرفانی» که در ۴ فصل یا باب است (فنخا، درایتی، ج ۲۶: ص ۶۹۳)، «سرمشق جنون یا منشآت فارسی» در مراسلات، پاسخ نامه، عریضه و همچنین دیباجه چند کتاب که در سالهای ۱۲۴۷-۱۲۴۶ ق نگاشته شده و این دیباجه‌ها عبارتست از: دیباجه کتاب مراثی و نوحه و دیباجه تذکرای بنام میزان‌الطبایع و ... (دنا، درایتی، ج ۶: ص ۱۱۱)، «سرّالعزيز» در اخلاق (همان، ج ۶: ص ۹۵) و ... که همه در یک مجموعه بنام «کلیات» گنجانده شده‌اند.

قصاید مدهوش گلپایگانی

در کلیات مدهوش، ۲۳ قصیده وجود دارد که ۳ قصیده از این قصاید فقط در نسخ ملک و مجلس رؤیت شد. قصاید مدهوش آمیزه‌ای از سبک خراسانی و عهد سلجوقی است. زبان اشعار وی سرشار از تصویرهای ناب و صنایع ادبی زیبا است. قصاید ایشان، ویژگیهای متنوعی

^۱ - کلّ ارجاعهای شواهد از نسخه «تبریز» بوده و به ذکر صفحه بسنده شده است، ولی هر جا شاهدی از نسخه «ملک» است، نام «ملک» در کنار شاهد آمده.

^۲ - مطلع دو قصیده از قصاید مدهوش، مقفی نیست.

در سطوح گوناگون دارد؛ کاربرد فنون بیان بویژه تشبیه و استعاره و برخی آرایه‌های بدیع لفظی و معنوی؛ همچون تکرار، جناس (در انواع مختلف)، تضاد، تلمیح، مراعات‌نظیر، موازنه و ... در قصاید وی بسامد بالایی دارد. مدهوش در مضمون‌آفرینی و تصویرسازی استادانه عمل کرده و هنر شاعری و طبع لطیفش را به رخ مخاطب میکشد. از دیگر شاخصه‌های قصاید مدهوش، نمود لغات و ترکیبات عربی و نیز اصطلاحات نجومی در آن است و نشان می‌دهد که ایشان به این علوم نیز آشنایی و آگاهی داشته است.

اکثر قصاید وی، قصایدی کامل با تشبیب، مدح، شریطه و دعای تأبید است. همه این قصیده‌ها از نوع مدحی است. این نوع قصیده‌سرایی در دوران قاجار رواج داشت. «یجاد دربار باشکوه و تثبیت حکومت مرکزی قاجار باعث شد تا شاعران دوباره در دربار جمع شوند و بمدح پادشاهان بپردازند. سلاطین قاجار خود را با سلاطین غزنوی و سلجوقی مانده میدانستند و لذا از شاعران انتظار قصاید مدحی داشتند» (سبک‌شناسی شعر، شمیس: ص ۳۰۶). مدایح مدهوش در بیشتر موارد از حد تمجید منطقی گذشته و به غلوگویی رسیده. او در سروده‌هایش ۲۸۸ بار یعنی ۲۷/۷۱٪ اغراق کرده است. وی گاه به حدی مقام ممدوح خود را بالا میبرد که حتی در ابیاتی خود را عاجز از ستایش او میدانند:

دین‌پناها من و اندیشه مدحت، هیئات!
من که و میل خریداری یوسف بر سر
لیک بیتی دو سه از خون جگر پروردم تا سرایند پس از من ز تو دستان دگر (۱۹۴).
وی غیر از مدح حاکمان و بزرگان عصر خود، بمدح خداوند، حضرت محمد (ص) و امام علی (ع) پرداخته و عشق و ارادت قلبی خود را ابراز داشته. وجود چنین اشعاری نشان‌دهنده اعتقاد و پایبندی وی به دین مبین اسلام است. از دیگر مضامین قصاید او، موضوعات عرفانی، حکمی و تعلیمی است که درصد کمتری نسبت بمدح دارند. در قصاید مدهوش، دو قصیده بدون تغزل و بقیه با تغزل است. در تشبیب یا تغزل قصیده‌هایش از طبیعت یا یکی از مظاهر آن و معشوق و بیان حالات عشق سخن گفته است.

سبک‌شناسی قصاید مدهوش گلپایگانی

اگر «دیدگاه خاص هنرمند به جهان درون و بیرون و شیوه خاص بیان وی را سبک او بنامیم» (کلیات سبک‌شناسی، شمیس: ص ۱۵) پس هر اثر مکتوبی در هر سطح، دارای سبک مختص بخود است. البته میتوان گفت که «در میان انواع ویژگیهایی که در یک اثر دیده میشود، فقط ویژگیهایی در پدید آوردن سبک دخیل هستند که بسامد فراوانی در آن اثر دارند و به آنها ویژگیهای «سبک‌ساز» میگویند. حال این مختصات ممکن است زبانی، فکری یا ادبی باشند» (سبک‌شناسی شعر، غلامرضایی: ص ۲۰۶).

بنابراین با این توضیح، بایسته است که نظری بقصاید مدهوش در سه جنبه کلی سبک‌شناسی داشت.

ویژگیهای زبانی

۱. سطح آوایی

۱-۱. وزن

پرکاربردترین وزن عروضی در قصاید مدهوش، بحر رمل مَثَمَّنْ مخبون محذوف (یا مقصور) است (۱۲ قصیده)؛ اما وی از بحور سریع مسدّس مطوّی مکشوف (۱ قصیده)، مضارع مَثَمَّنْ اُخرب مکفوف محذوف (۲ قصیده)، رمل مَثَمَّنْ محذوف (۱ قصیده)، خفیف مسدّس مخبون محذوف (۱ قصیده)، منسرح مَثَمَّنْ مطوّی منحور (۱ قصیده)، هزج مَثَمَّنْ اُخرب مکفوف محبوب (۴ قصیده) و مجتث مَثَمَّنْ مخبون محذوف (۱ قصیده) در سرودن قصایدش سود برده است. از اوزان مذکور مشخص است که وزنهای ثقیل و نامهجور در قصاید او دیده نمیشود. وزنهای شعر وی از اوزان طولانی است و در بحرهای طولانی سروده شده است.

۱-۲. قافیه

مدهوش در گزینش قافیه تا حدّی ظرافت بخرج داده و واژه‌هایی را که از تشخیص بیشتری برخوردارند، برگزیده است. وی گاه برای افزایش جنبه موسیقایی سخن خود از قافیه میانی نیز استفاده میکند:

چند خوری لخت لخت خون دل ای تیره‌بخت خیز و بیارای تخت، خسرو دوران رسید
(۱۸۹)

افزودن «ه» به آخر کلمات مختوم بمصوّت بلند «آ» (سبک‌شناسی شعر، غلامرضایی: ص ۶۷). مدهوش در یکی از قصاید خود از این ویژگی در قافیه استفاده کرده است:

خواستم تا پی خدمت ز پس شکر نهم دست بر چشم و به تقدیم کنم پشت دوتاه
(۲۰۱)

در کل میتوان گفت که او بخوبی از عهده وزن و قافیه برآمده و از این حیث در شعر وی اشکال عمده‌ای بنظر نمیرسد.

۱-۳. ردیف

ردیف، عامل دیگری است که در ایجاد موسیقی کناری شعر نقش دارد و به‌همراه قافیه بیشترین تأثیر را در موسیقی کناری داراست. شاعران گاه در قصاید خود، از ردیف بعنوان کامل‌کننده موسیقی شعر بهره برده‌اند. مدهوش نیز به مدد ردیفهایی که بکار برده، به تحرّک

و زیبایی شعرش کمک کرده است.

از مجموع ۲۳ قصیده وی، ۱۰ قصیده مردّف است که در آن ۳ بار از ردیفهای حرفی و ۷ بار نیز از ردیفهای فعلی استفاده کرده است. وی همچون رودکی و عنصری ردیف اسمی ندارد. ردیفهای فعلی: گرفت، شد، رسید، تو باد، آمدی، باز آمدی و کرد خدای هستند و ردیفهای حرفی نیز «را» و «بر». ردیف «را» ۲ بار به کار رفته است. مدهوش ردیفهای ساده و طبیعی را برای قصاید خود انتخاب کرده است.

یکی از ویژگیهای برجسته مدهوش در موسیقی درونی شعر، بکارگیری آرایه تکرار است که ۴۵/۱۳٪ از حجم اشعارش را تشکیل میدهد. این بسامد بالا بیانگر این است که شاعر میخواهد با بکارگیری از آن، با آهنگین نمودن هرچه بیشتر کلام بر گوشنوازی و لطافت شعر خویش بیفزاید. وی تکرار را بشیوه‌های مختلف به کار میگیرد. تکرار ترکیبها، واژه‌های قافیه و همچنین تکرار بشیوه صنعت اعنات یا لزوم مالایلم؛ یعنی در هر مصراع یا بیت شعر واژه‌ای را تکرار کند. این نوع تکرار اگرچه در برخی موارد بیش از حد و از حوصله خواننده خارج است؛ مثل التزام واژه «دست» در بیت زیر:

ور ز آنکه دست دست خدا نامدی به دست از دست دست دست خدا خاور آمدی
(۲۰۲)

اما الحق گاهی چه زیبا و دلنشین است. همانند این بیت:

فصل خوش و هوای خوش و نوبهار خوش خوش آنکه خوش برآمد و خوش کامیاب شد
(۱۸۷).

بنظر گاهی وی برای تأکید و تأیید سخن خویش و گاه برای زیبایی آفرینی، دست بنظمی این چنین زده است.

علاوه بر تکرار، آنچه موجب اعجاز در موسیقی شعر میشود، صنعت همحروفی و همصدایی کلمات و واجهاست. مدهوش ۶۲ بار یعنی ۵/۹۶٪ از صنعت **واج‌آرایی** در شعرش سود برده است.

غم کهن، باده کهن، چرخ کهن، کینه کهن چاره باید ز می کهنه، غم دوران را
(۱۸۱).

۲. سطح لغوی

۲-۱. کاربرد کلمات کهن یا کلمات رایج با معانی کهن

مehوشان بینی از این پس همه در زیور و زر گلرخان بینی از این پس همه در غنچ و دلال
(۱۹۷)

همچنین است: شوخ (۱۸۸) و (۲۰۱)، تکیدن (۱۹۷)، پرداختن (ملک: ۹۶)، عجم (همان: ۹۶)،
گرازیدن (همان: ۹۶)، میاه (همان: ۹۶)، نبال (همان: ۹۲)، باده کشیدن (۱۸۸)، دوتاه (۲۰۱)،
بنده و داه (۲۰۱) و

۲-۲. کاربرد واژه‌ها و ترکیبات عربی

مطمئن هر که ز لاتحذر او طوبی له مضطرب هر که ز لاتأمن وی وای به وی
(۲۰۷)

گاهی همه مصراع را به عربی آورده:
روزی که سرشتند ز گل قالب آدم قد کان من الحقّ إلى الحقّ علی الحقّ
(۱۹۶).

و گاه کلّ بیت را به تازی گفته:
هم سادتنا لانتولی بسواهم لازال علیهم صلوات الملک الحقّ
(۱۹۶)

در اشعار مدهوش جمع مکسر عربی نیز مشهود است؛ مثل:
گفتم آن خواجه سنین و شهور گفت آن مالک قلوب و رقاب
(۱۸۵)

نمونه‌های دیگر: آزه‌ار (۱۸۳)، آنجم (۱۸۶)، رسل (۱۹۶) اعدا (۱۹۰) و
همچنین ایشان به کاربرد ترکیبهای عربی (وصفی- اضافی) علاقه‌مند است. همانند:
حشرالمجرم (۱۹۶)، خدیوالاعظم (۱۹۷)، رطب اللسان و عذب البیان (۲۰۴)، کف الخضیب
(۱۸۸) و

مدهوش بدلیل تأثیر از زبان و ادب عرب و اینکه از علم عربی بهره داشت، واژه، ترکیب و
جملات عربی در شعرش نمود بسیار دارد. ۲۵۰ مورد یعنی ۲۴/۰۶٪ واژه‌ها و ترکیبات عربی
در شعرهای وی مشهود است.

۲-۳. استفاده از زبان کوچه (لغات و تعبیرات عامیانه)

غلغل (۱۸۶)، غلغله (۱۸۶)، جُل (۱۹۱)، جوق (۱۹۵)، ولوله (۱۹۶)، همشیره (۱۹۸)،

توشک (۱۹۶)، ششتن (شستن) (۱۸۵)، دویم (۲۰۰)، به سر انگشت کسی بودن (۱۸۴)، طبله گرفتن (۱۸۶)، بر سر گرفتن (۱۸۷)، چوبک زن (۱۸۴) و (۱۹۱) و ...

۴-۲. ترکیب‌سازی و کاربرد ترکیبهای زیبا

مدهوش همچون بسیاری از دیگر شعرای این دیار، در موارد بسیار ترکیبات (وصفی و اضافی) تازه و بدیع آورده که برخی از آنها با نوآوری، زیبایی و تصویرآفرینی همراه است؛ از این جمله است:

دل‌گذاران نسیم (۲۰۶)، بط باده (۱۸۳)، اجناس حوادث (۲۰۷)، قطار هفته (۲۰۰)، هندوی چرخ (۱۸۴)، ماخلویای عشق (۱۹۹)، بت ساده (۱۸۳)، دخت سخن (۱۹۵)، مدهوش گول ناقص نادان (۲۰۳)، غنچه پیکان (۱۹۱)، حنظلستان نفس (۲۰۳)، دفتر زنگار ورق (۱۹۱)، دست مشاطه قدرت (۱۹۱)، حصن حصین (۱۹۳)، کلک صورتگر قدرت (۱۹۸)، نطع زنگاری گردون (۱۹۱)، غجم غجم (ملک ۹۶)، سرمه هستی (ملک ۹۶)، بارگی نصرت (۱۸۴)، دخت شجر (۱۹۵)، دولت شاب (۱۸۵)، آهوی رم‌دیده (استعاره از معشوق) (ملک: ۹۲)، شاه ملایک سپاه (۱۸۹)، دوشیزه فکر (ملک: ۹۶)، و ...

۵-۲. کاربرد اعداد

این ویژگی در اشعار مدهوش ۹۱ بار؛ یعنی ۸/۷۵٪ مشاهده شد.

گشت این چار چمن رشک ده هفت اورنگ گشت این هفت فرا داغ نه طارم
(۱۹۸)

۳. سطح نحوی (دستوری)

۱-۳. کاربرد فعل

وی از «همی» (شکل کهنه می) برای ساخت ماضی استمراری استفاده میکند.

نی گشت همی منکسرش طارم کسری تنها نه همی کرد ز سبابه قمر شق
(۱۹۶)

گاهی نیز از «همی» برای ساخت فعل مضارع استفاده میکند. مثل:

ولیک چند سؤال است در تصوّر من به حضرت تو جسارت همی کند اقدام
(۱۹۹)

۲-۳. کاربرد قواعد دستوری کهن

وی قاعده جهش ضمیر را در کاربرد ضمائر متصل بکار میگیرد:

باور از مات نیاید، نگر آن ابرو را یا سخن بپهده دانی نگر آن مژگان را
(۱۸۲).

کاربرد «چه» بجای «چو» در قصاید مدهوش نمود فراوانی دارد که گاه در معنی «وقتی»

و گاه در معنی «مانند» و از ادات تشبیه آمده است. همچون:

شد چه در پرده نهان دوش عروس خاور لعبتی چند گشودند ز هر سو معجر
(۱۹۲).

بر بناگوش چه حوران بهشتی کافور جمله برپای چه ترکان ختایی خلخال
(۱۹۷).

کاربرد «چو» بجای «چه» نیز مشهود است. مثل:

چو خورد گر نخورد خون دل از حسرت کان چو کشد گر نکشد خجلت زخاری یم
(۱۹۸)

۳-۳. ترکیبات عطفی نیز در شعر وی دیده میشود. مدهوش ۱۲۵ بار (۱۲٪/۰۳) از این ویژگی استفاده کرده:

چنگ و عود و کرک مجمره و عنبر و می عیش و شادی و نشاط و طرب و عشرت و
فال (۱۹۷).

ویژگیهای ادبی

۱. تصویرسازی

تصویرسازی از ویژگیهای بارز شعر مدهوش، مخصوصاً در قصاید دارای تشبیب اوست. بتصویر کشیدن تابلویی زیبا و دل‌انگیز در مقابل دیدگان و ذهن مخاطب، بمعنی تسلط بسیار شاعر بر فضا، کلمات و معنا و نیز ارتباط این سه باهم است. تصویرآفرینی با حیوانات و پرندگان، درختان و گلها، اشیا و عناصر طبیعت، باده و باده‌نوشی و لوازم آن و

چادر زده در صحن چمن سنبیل و نسرين پرچم زده در دامن گه لاله و زنبق
(۱۹۶)

ماه را شعله غیرت شود از مهر فزون فلک از مهر اگر مجمره گردان تو باد
(۱۹۱)

۲. آرایه‌های ادبی

آرایه‌های ادبی	تشبیه	استعاره	کنایه	جناس	تضاد	مراعات‌نظیر	موازنه
تعداد	۴۳۸	۳۱۴	۱۶۴	۳۴۲	۱۹۳	۴۴۶	۲۶۶
درصد	٪۴۲/۱۵	٪۳۰/۲۲	٪۱۵/۷۸ ٪	٪۳۲/۹۱	٪۱۸/۵۷	٪۴۲/۹۲	٪۲۵/۶۰

تشبیه

برجسته‌ترین صورخیال در اشعار شاعران سبک خراسانی تشبیه است. در قصاید مدهوش نیز

یکی از پرکاربردترین ارکان بیانی بحساب می‌آید. مدهوش در ۱۰۳۹ سروده خود، مجموعاً ۴۳۸ یعنی ۴۲/۱۵٪ تشبیه بکار برده است. بررسی این شکل مهم خیالی در اشعار او نشان می‌دهد که تشبیه بلیغ با ۲۵۶ یعنی ۵۸/۴۴٪ بیشترین بسامد و تشبیه مفروق، ملفوف و تفضیل در کل با ۹ یعنی ۲/۰۵٪ کمترین بسامد را در قصاید وی دارد. در تشبیهات او معقول به محسوس بالاترین بسامد یعنی ۵۲/۹۶٪ و محسوس به معقول با ۷/۷۶٪ کمترین بسامد را داراست.

تشبیه	بلیغ	جمع	مفصل	تمثیل	مفروق	مرسل	ملفوف	تفضیل	مؤکد
تعداد	۲۵۶	۱۰	۳۳	۱۱	۳	۹۰	۴	۲	۲۹
درصد	۵۸/۴۴٪	۲/۲۸٪	۷/۵۳٪	۲/۵۱٪	۰/۶۸٪	۲۰/۵۴٪	۰/۹۱٪	۰/۴۵٪	۶/۶۲٪

الف، تشبیه مرسل

به گاه معرکه بازی چو خنجر خونریز به روز رزم فرازی چو تیغ خون آشام
(۲۰۰).

ب، تشبیه مفصل

به خیال گل روی تو چو گلزار خلیل گلشن خویش کنم آتش صد هجران را
(۱۸۱).

ت، تشبیه تمثیل

جان در تن بدخواه تو با ناوک قهرت چون باد بود در قفس و آب به غربال
(ملک: ۹۲).

ج، تشبیه جمع

باغ جنت بود آن یا چمن هشت بهشت یا که خود خلد برین آمده در این کشور
(۱۹۳).

چ، تشبیه بلیغ

تشبیهات بلیغ در کلام مدهوش، بیشتر از نوع تشبیه بلیغ اضافی است.
هندوی چرخ که چوبک‌زن نام فلک است خجل از نوبتی گوشه ایوان تو باد
(۱۹۱).

ح، تشبیه تفضیل

وند ر آن شهری و حصنش چو فلک حصن حصی نی غلط حصن ورا حصن فلک خود چاکر
(۱۹۳).

تشبیهات	محسوس به محسوس	محسوس به معقول	معقول به معقول	معقول به معقول
تعداد	۱۲۴	۳۴	۲۳۲	۴۸
درصد	۲۸/۳۱٪	۷/۷۶٪	۵۲/۹۶٪	۱۰/۹۵٪

همانگونه که بیان شد، در تشبیهات مدهوش معقول به محسوس بالاترین بسامد یعنی ۵۲/۹۶٪ را بخود اختصاص داده است و این امر نشان دهنده آن است که شاعر بیشتر اهل وصف تجربه‌های باطنی است، نه توصیف امور عینی.

استعاره

مدهوش در قصایدش بیشتر از استعاره مکنیه استفاده کرده تا مصرّحه. این شاعر در اشعار خود مجموعاً ۳۱۴؛ یعنی ۳۰/۲۲٪ استعاره بکار برده که ۸۸؛ یعنی ۲۸/۰۲٪ استعاره مصرّحه و ۲۲۶؛ یعنی ۷۱/۹۷٪ استعاره مکنیه است.

استعاره مصرّحه

شاه را داد بدانجا که نکویان به قصاص
زیر شمشیر نشانند مه تابان را
(۱۸۲)

استعاره مکنیه

باد صبا چهره گل غازه کرد
سنبل تر طبله عنبر گرفت
(۱۸۶)

کنایه

کنایه‌های قصاید مدهوش بیشتر از نوع ایماست؛ به این معنی که در آن وسایط میان مکنیه و مکنی‌عنه، اندک و مقصود گوینده از آن روشن است.

نیک‌رانی که پی خدمت این بست میان
به یسارش دو جهان ملک یمین کرد خدای
(ملک: ۹۶).

همچنین است: کمر بستن (۱۹۲) و (۲۰۷)، کوید پای و ساید سر (۱۹۴)، پای هوس شکستن (۱۹۳)، پای در زنجیر بودن (۱۹۵)، خون دل خوردن (۱۹۸)، رخت کشیدن (۱۹۲)، خار بر دل خلیدن (۱۹۰)، از پا افکندن (۱۸۲)، دندان بر جگر نهادن (۱۸۲)، رخت بر بستن (۱۹۳) و ...

انواع جناس

یکی دیگر از پربسامدترین صنایع در قصاید مدهوش، جناس است. انواع جناس در آن

جلوه‌گر است. وی ۳۴۲؛ (۳۲٪/۹۱) جناس به کار برده که در این میان سهم جناس اختلافی با ۴۴/۷۳٪ بیشتر از بقیه است و جناس قلب و لفظی نیز در مجموع با ۲/۳۳٪ کمتر از سایر جناسها بکار گرفته شده‌اند.

جناس	اختلافی	افزایشی	مضارع	استهلایی	محرّف	تصحیف	اشتقاق	تام	قلب	لفظی
تعداد	۱۵۳	۷۶	۱۱	۶۲	۶	۶	۱۱	۹	۵	۳
درصد	۴۴/۷۳٪	۲۲/۲۲٪	۳/۲۱٪	۱۸/۱۲٪	۱/۷۵٪	۱/۷۵٪	۳/۲۱٪	۲/۶۳٪	۱/۴۶٪	۱/۸۷٪

الف، جناس تام

از وثاقم چو روان گشت، روان گشت مرا دل ز کف، هوش ز سر، روح ز تن، خون بصر
(۱۹۳).

ب، جناس مصحف (خط)

چون دید فوج موج بلاخیز تیغ تو دریا نهان ز خوف به جوف حباب شد
(۱۸۸).

پ، جناس مضارع

وقت آن شد که ملک ذکر فراموش کند به فلک چون شنود زمزمه مستان را
(۱۸۱).

ت، جناس ناقص (محرّف) (اختلاف مصوّت کوتاه)

حشوها گوید و خرّم که ثنا میخواند چه کند گر عَجَمِ عَجَم نداند تازی
(ملک: ۹۶).

ث، جناس اختلافی

کام دوران شهید و عهد و مهّد باشد وین زمان مهّد و عهد و شهید با هم توأمان باز آمدی
(۲۰۴).

د، جناس مطرّف (افزایشی)

روز پیکار که از کش مکش دست ستیز شیر گردون خبر از گاو زمین کرد خدای
(ملک: ۹۶).
یا ز معماری استاد ازل شمس و قمر عکسی از بارقه شمسّه ایوان تو باد
(۱۹۱).

ر، جناس اشتقاق

مَنّت ز خداوند جهان باد جهان را کار است دگر باره زمین را و زمان را
(۱۸۳).

ز، جناس لفظی

خاور آن کز سخطش چرخ اثیر است، اسیر از پس آن که جهان از کرمش ملامال
(۱۹۷).

س، جناس استهلالی

مدهوش به جنبه موسیقایی دیگری نیز عنایت داشته و آن کاربرد واژه‌هایی است که در صامت اول باهم مشترک هستند؛ گاه این نوع کلمات را بصورت ترکیب اضافی و وصفی و گاه بصورت عطف بکار برده و گاهی نیز با اندکی فاصله آورده است. این صنعت یکی از صنایع مورد توجه عنصری است که در اشعارش بسامد بسیار دارد. مدهوش گوید:

مرا که گوش به آواز چنگ و نی باید حدیث مفتی و واعظ ملالت است و ملام
(۱۹۹).

سرو سنبل سوز و سوری ساز و سامان و سلام در بهارت هفت‌سین دوستان باز آمدی
(۲۰۵).

نمونه‌هایی از این هم‌آوایی: جمشید جاه (۱۸۹)، شرزه شیر (۱۸۷)، قضا و قدر (۱۸۵)، قعود و قیام (۱۹۹)، بلبل بیدل (۱۸۷)، خسرو خاور (۱۸۳) و ...

تضاد

کو رهنما که بادیه‌ام در نظر سپاه کو ناخدا که بحر به چشم سراب شد
(۱۸۸).

مراعات نظیر

این آرایه نقش بسزایی در گیرایی و زیبایی سخن دارد؛ بحثی که مخاطب با شنیدن آن و درک پیوند بین اجزای متناسب، به حس لذت میرسد. مراعات‌نظیر در سروده‌های مدهوش در صدر قرار دارد.

پای‌کوبان شده در صحن چمن سرو روان دست‌افشان شده در باغچه بید طبری
(۲۰۶).

تلمیح

تلمیح به داستانهای گذشتگان، قصص انبیا و داستانهای قرآنی در شعر مدهوش نمایان است؛

وی ۹۵ بار (۹/۱۴) تلمیح به کار برده است. تلمیح به داستانهای حضرت محمد(ص)، حضرت علی(ع)، مور و سلیمان، خلیل(ابراهیم)، یوسف، هاروت، موسی، عیسی، نوح، مریم، صالح، ابوجهل و ... اشاره به داستان شخصیت‌هایی همچون: رستم، بهرام، کاوس، نوذر، سنجر، مانی، زال، کی‌قباد، افراسیاب، پشنگ، سام، لیلی و مجنون، افلاطون، مانی، حاتم، رسطاليس، اسکندر و ... و نیز تلمیح به داستان جنگ ایران و توران، قصر خورنق و ... وجود تلمیحات بسیار در این قصاید، نشان دهنده گستره آگاهی شاعر و تنوع مضامین اشعار او نیز هست.

موازنه یا مماثله

موازنه نوعی هنرنمایی شاعرانه است و نشان می‌دهد که شاعر در انتخاب الفاظ و ایجاد توازن و تناسب در ابیات تسلط و مهارت داشته است. مدهوش در قصایدی که عرضه داشته، موازنه یا مماثله از صنایع بدیعی لفظی را که از صنایع پرکاربرد سبک خراسانی است، بسیار بکار برده است.

شعله تیغ تو با خصم تو در دلسوزی شاهد ملک تو با بخت تو در دمسازی
(ملک: ۹۶).

ویژگیهای فکری

۱. مضامین قصاید

مضامین قصاید	مدح پروردگار	مدح محمد(ص)	مدح علی(ع)	منقبت عید فطر	مدح حاکمان و بزرگان	عشق	قضا و قدر	می و شراب	وصف طبیعت
تعداد	۱۱	۲۵	۳۳	۳۷	۵۴۳	۲۰۰	۱۷	۴۲	۵۹
درصد	٪۱/۰۵	٪۲/۴۰	٪۳/۱۷	٪۳/۵۶	٪۵۲/۲۶	٪۱۹/۲۴	٪۱/۶۳	٪۴/۰۴	٪۵/۶۷

۱-۱. مدح و تسبیح پروردگار

وی در اشعار خود این گونه زبان بمدح و ستایش آفریدگار خویش می‌گشاید:

بر سر دوحه توحید چو مرغ سحری نغمه برکش به ستایش ملک سبحان را
حیف باشد همه مرغان چمن در تسبیح ما به تقدیس نیاریم ثنا یزدان را
(۱۸۲).

۱-۲. اظهار ارادت به خاتم پیامبران، حضرت محمد(ص)

فخر ثقلین ختم رسل احمد مرسل کز مقدم وی عرش برین یافته رونق
آن قبله احرار که هست از همه اعظم و آن سابقه سالار که بود از همه اسبق
(۱۹۶).

۳-۱. اظهار ارادت بحضرت علی(ع)

شیر خداوند که از مولدش قبله دین زینت و زیور گرفت
آن که در ایوان شرف جز نبی کس نه ازو مرتبه برتر گرفت
(۱۸۶).

وی در بیتی حضرت علی(ع) را «ثانی مسیح» مینامد:

ای ثانی مسیح که در چرخ روی و رای از ذره آفتاب برت کمتر آمدی
(۲۰۳).

۴-۱. در منقبت عید سعید فطر

عید شد عید و دگر باره هلال شوال شد برغم رمضان ساغر زرین تمثال
خمدلله سر و جان تحفه بخت فیروز شکرلله دل و دین وقف خدای متعال
(۱۹۶).

۵-۱. مدح حاکمان زمان خویش

هدف اصلی مدهوش در مدح، شاهزاده حیدرقلی میرزا، حاکم گلپایگان است که مدهوش در قصیده‌هایش از وی بعنوان «ولی نعمت» خود یاد کرده. وی در سروده‌های خویش، حیدرقلی میرزا را با تخلصش یعنی «خاور» خطاب قرار داده است. بیشترین ابیات در اشعار مدهوش بمدح «خاور» اختصاص دارد. همچون:

دادار جهاندار، ملک‌زاده عادل خاور که ازو زینت و زیب است جهان را
(۱۸۳).

ناصر دولت و دین، داور عادل، خاور که از او دولت و دین گشته ز هر نقص بری
(۲۰۶).

همچنین وی ابیاتی دارد در مدح شاهزاده «محمدتقی»، ملقب به «حسام‌السلطنه»، هشتمین اولاد ذکور فتحعلی‌شاه و حاکم بروجرد. او یکی دو سال نیز حاکم لرستان و خوزستان بوده است (تذکره خاوری، حسینی شیرازی: ص ۲۱). مدهوش درباره وی چنین گوید:

خسرو دهر ملک‌زاده محمدتقی آنک فلک از شوکت او زار و حزین کرد خدای
(ملک: ۹۶).

مدهوش مادح فتحعلی‌شاه، پادشاه دوران خویش نیز بوده و در وصف وی اشعاری سروده است. نظیر:

نور حق فتح‌علی‌شاه که خواندی گه رزم قهرمان غضبش فتح و ظفر را به بنی
آنکه در شخص وی انواع عواطف مقصور و آن که از حکم وی اجناس حوادث لاشی
(۲۰۶-۲۰۷).

۵-۱. اشاره به عدالت و قدرت حاکمان زمان

مدهوش از عادل و توانا بودن حاکمان دوران خویش، بویژه «خاور» سخن گفته و گاه نیز از اصطلاحات جالبی برای بیان این عدالت استفاده کرده است. غنم پرورده گرگ است، شاهین همیشه یار حمام، همسر شیر بودن آهو و یا آهو همشیره شیر است، کرکس چون صعوه گشتن و اصطلاحاتی از این دست، در برخی از سروده‌های وی نمایان است:
به دور عدلش آهو مدام همسر شیر به عهد پاسش شاهین همیشه یار حمام
(۱۹۹).

و درباره قدرت ایشان گفته:

ای جهاندار که چون دست به خنجر یازی کار گیتی همه بر دست اجل اندازی
(ملک: ۹۶).

وی در ابیاتی خاور را در قدرتمندی و عدالت، وارث حضرت علی (ع) معرفی می‌کند:
داور دادستان وارث حیدر، خاور که درش سجده‌گه چرخ برین کرد خدای
(همان: ۹۵).

وارث قوت سرپنجه حیدر، خاور گر بود خاک درش سرمه ارباب همم
(۱۹۸).

۵-۲. مدح بزرگان دوران خود

یکی از پیشگامان سبک خراسانی، «عبدالوهاب خان نشاط اصفهانی»، ملقب به «معمدالدوله» از شاعران عالی‌مقام زمان فتح‌علی‌شاه و رئیس دیوان رسائل و از ستایشگران این پادشاه است (سبک شعر در عصر قاجاریه، تجربه کار: ص ۷۵). مدهوش در یکی از قصایدش این وزیر و شاعر نامی قاجار را ستوده و گفته است:

عالم فضل و هنر معمدالدوله نشاط که مر او راست فلک بنده ملک فرمان بر
(۱۹۴).

رونق انجمن شش جهت و چار ارکان حاصل کارگه نه فلک و هفت اختر
(۱۹۴).

۶-۱. عشق در قصاید مدهوش

در سروده‌های مدهوش، عشق نمود بسیاری دارد. وی از عشق زمینی سخن گفته است. عشق در شعر اکثر شاعران سبک خراسانی مجازی و جسمانی است و از ویژگیهای این سبک بحساب می‌آید (سبک‌شناسی شعر، شمیسا: ص ۶۷).

ای نازنین که بی‌تو روانم به تن حرام باز آ که از روان به تنم خوشتر آمدی
(۲۰۲).

من و ترک می و معشوق زهی بی‌خردی من و قطع نظر از عشق زهی بی‌بصری
(۲۰۶).

۷-۱. اعتقاد به قضا و قدر

مدهوش اصطلاحات دینی و اعتقادی را در شعر خود بکار برده است. قضا و قدر چندین بار بمناسبت‌های گوناگون در شعرش بکار رفته است. مانند:

رخت بربستم و از خنگ سبک‌خیز عنان گاه دادم به صبا، گاه قضا، گاه قدر
(۱۹۳).

۸-۱. می و شراب

هر جا غمی است چاره آن می‌کند، بلی حلال مشکلات می‌احمر آمدی
(۲۰۲).

۹-۱. وصف طبیعت

دست‌افشان در میان باغ بید و نارون پای‌کوبان در چمن سرو چمان باز آمدی
(۲۰۴).

۲. کاربرد اصطلاحات علمی

کاربرد اصطلاحات علمی	عرفانی	نجوم	موسیقی
تعداد	۳۷	۱۰۹	۱۴
درصد	٪۳/۵۶	٪۱۰/۴۹	٪۱/۳۴

۱-۲. اصطلاحات عرفانی

در وجودم نه فتاده است چنان شور سماع کامتیزی بود از جوهر جان، جانان را
(۱۸۱)

و نیز کلمات زهد (۱۹۷) و (۱۹۹)، رند خراباتی (۱۸۱)، خانقاه (۱۸۶)، عارف (۱۹۰)، پیر مغان (۱۹۹)، ذکر (۱۸۱)، سبچه (ملک: ۹۲)، خرقة (همان: ۹۲)، خرابات (همان: ۹۲)، تسبیح

(۱۸۲) و

۲-۲. اصطلاحات نجومی

یکی از راههای تکامل یافتن شعر و تنوع بخشیدن بمضامین شعری این است که شعرا مصطلحات علوم گوناگون را در شعر بکار برده و از آنها برای زیبا سازی شعر و نوآوری استفاده کنند. مدهوش گلپایگانی نیز از کاربرد اصطلاحات نجومی سود برده است. استعمال این اصطلاحات بدلیل آگاهی شاعر از علم نجوم است. وی ابیات زیبایی فراوانی را به کمک این اصطلاحات برشته نظم کشیده است.

چون عطارد به بنان داده دبیران خامه همچو کیوان به کف آورده دلیران خنجر
(۱۹۳)

استکانت ز تو نه قبه و شش روزن را استقامت ز تو هفت اختر و چار ارکان را
(۱۸۲)

۲-۳. اصطلاحات موسیقی

چرخ را نشأه ز می در سر هین ساغر ماه زهره را چنگ به چنگ اندر هین زخمه هلال
(۱۹۷)

تأثیرپذیری از شاعران پیشین

اثرپذیری مدهوش از عنصری

مدهوش یکی از قصایدش را به تأثیر از قصیده عنصری بصورت سؤال و جواب سروده است. مطلع آن:

دوش در پرده ز آن گل سیراب هرچه کردم سؤال داد جواب
(۱۸۴)

مطلع قصیده عنصری که در مدح امیر نصر بن ناصرالدین سبکتگین است:
هر سؤالی کز آن لب سیراب دوش کردم همه بداد جواب
(دیوان عنصری: بیت ۸۱).

اثرپذیری مدهوش از فرخی

مدهوش به تأثیر از فرخی سیستانی قصیده‌ای سروده است با این مطلع:
ای که بودی دل من واله آن طرز نگاه همچو صیدی که به حسرت نگرد ناوک شاه
(۲۰۰)

مطلع قصیده فرخی در مدح امیر ابویعقوب عضدالدوله یوسف بن ناصرالدین:

زلف مشکین تو ز آن عارض تابنده چو ماه
به سر چاه زنخدان تو آید گه گاه
(دیوان فرخی: بیت ۶۹۸۹)

اثربخشی مدهوش از انوری

یکی از قصاید مدهوش به تأثیر از انوری سروده شده است که مطلع آن بیت زیر است:
حبذا ای شرف افزای جهان ملکوتی سنگ و خاکت به شرف کحل ملک افسر کی
(۲۰۶)

و مطلع قصیده انوری در مدح سید السادات جعفر علوی:
ای به درگاه تو بر قصه‌رسان صاحب ری ره نشین سر کوی کرم حاتم طی
(دیوان انوری: ص ۵۰۷).

نتیجه‌گیری

محمدصادق گلپایگانی، از شاعران سده سیزده هجری است. وی نام «مدهوش» را بعنوان نام شعری خود برگزیده و مانند دیگر شاعران دوره بازگشت ادبی در شاعری از سبک پیشینیان خویش پیروی کرده است. شعر وی به سبک خراسانی و عهد سلجوقی است. بسامد بالای لغات عربی و اصطلاحات علمی و کهن‌گرایی در سطح لغوی، دستوری و آوایی و ترکیب‌سازی بویژه از نوع اضافه‌های تشبیهی و نیز اغراق در مدح، شعر او را به شعر عهد سلجوقی پیوند میدهد. قصاید وی از نوع مدحی و بیشتر مدایح مبالغه‌آمیز است. هرچند وی نیز مانند دیگر معاصرانش به پای شاعران بزرگ دوران پیشین نمی‌رسد؛ اما سعی داشته مانند سایر همعصران خویش بتقلید از قدما پرداخته و تا حدی نیز در این کار موفق شده است. با وجود اینکه مدهوش توانسته با زبان ساده و صمیمی خود به زیبایی سخن‌سرایی کند، با این حال شعر وی در عین روانی کلام از کاربرد و حتی در برخی موارد آفرینش ترکیبات زیبا، تصویر آفرینی و به کارگیری آرایه‌های بدیعی بالاخص انواع تکرار (۴۵٪/۱۳)، جناس (۳۲٪/۹۱) و بویژه جناس اختلافی (۴۴٪/۷۳)، موازنه (۲۵٪/۶۰) و ... بهره‌مند است. در بین تشبیهات زیاد شعرش (۴۲٪/۱۵)، تشبیه بلیغ (۵۸٪/۴۴) بیشترین بسامد را دارد. تشبیهات وی بیشتر از نوع معقول به محسوس (۵۲٪/۹۶) است. استعاره با ۳۰٪/۲۲ و کنایه نیز با ۱۵٪/۷۸ در شعر او مشهود است. بیشترین بسامد در بین آرایه‌ها، متعلق به مراعات‌نظیر با ۴۲٪/۹۲ است. در شعر مدهوش مضامین تعلیمی، عرفانی، عشق، طبیعت‌گرایی، اعتقاد به مشیت حضرت حق و قضا و قدر، مدح پروردگار، اهل بیت (ع) و حاکمان و بزرگان دورانش به وضوح بیان شده است که در این بین، مدح حاکمان و بزرگان با ۵۲٪/۲۶ بیشترین بسامد را داراست.

منابع

۱. آشنایی با عروض و قافیه، شمیسا، سیروس، (۱۳۷۵)، چ دوازدهم، تهران: فردوس.
۲. از صبا تا نیما، آرین‌پور، یحیی، (۱۳۸۷)، تهران: زوآر.
۳. تذکره خاوری یا خاتمه روزنامه‌ی همایون، حسینی شیرازی خاوری، فضل‌الله، (۱۳۷۸)، تصحیح میرهاشم محدث، چ اول، زنجان: زنگان.
۴. دستور زبان فارسی ۲، انوری، حسن و احمدی گیوی، حسن، (۱۳۷۰)، چ ششم، تهران: فاطمی.
۵. دیوان اشعار، انوری، اوحدالدین علی بن محمد، (۱۳۶۴)، به اهتمام محمدتقی مدرس‌رضوی، چ سوم، علمی و فرهنگی.
۶. دیوان اشعار، عنصری، ابوالقاسم حسن بن احمد، (۱۳۶۳)، بکوشش دکتر سید محمد دبیرسیاقی، چ دوم، کتابخانه سنایی.
۷. دیوان اشعار، فرخی، ابوالحسن علی بن جلولغ سیستانی، (۱۳۳۵)، بکوشش دکتر سید محمد دبیرسیاقی، تهران: شرکت نسبی حاج محمدحسین اقبال و شرکاء.
۸. سبک شعر در عصر قاجاریه، تجربه‌کار، نصرت، (۱۳۵۰)، مسعود سعد مهر.
۹. سبک‌شناسی شعر، غلامرضایی، محمد، (۱۳۷۷)، تهران: جامی.
۱۰. سبک‌شناسی شعر، شمیسا، سیروس، (۱۳۷۹)، چ ششم، تهران: فردوس.
۱۱. سفینه‌المحمود، محمود میرزا قاجار، (۱۳۴۶)، بتصحیح و تحشیۀ عبدالرّسول خیتامپور، ج اول، تبریز: شفق.
۱۲. شعر در عصر قاجار، حمیدی، مهدی، (۱۳۶۴)، تهران: گنج کتاب.
۱۳. طرز عنصری، غلامرضایی، محمد، (۱۳۸۵)، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
۱۴. فرهنگ سخنوران، خیتام‌پور، عبدالرّسول، (۱۳۴۰)، جلد ۲، تبریز.
۱۵. فنون بلاغت و صناعات ادبی، همایی، جلال‌الدین، (۱۳۷۳)، تهران: هما.
۱۶. فهرست‌واره دست‌نوشته‌های ایران (دنا)، درایتی، مصطفی، (۱۳۸۹)، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۱۷. فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)، درایتی، مصطفی، (۱۳۹۰)، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۱۸. کلیات سبک‌شناسی، شمیسا، سیروس، (۱۳۷۳)، چ دوم، تهران: فردوس.

۱۹. کلیات مدهوش گلپایگانی، محمدصادق گلپایگانی، نسخه خطی شماره ۲۵۴۶، تاریخ کتابت ۱۲۴۷ق، کتابخانه ملی تبریز.
۲۰. کلیات مدهوش گلپایگانی، محمدصادق گلپایگانی، نسخه خطی شماره ۵۰۵۶، تاریخ کتابت ۱۲۴۸ق، کتابخانه ملک تهران.
۲۱. گلپایگان در آئینه تاریخ، اشراقی، فیروز، (۱۳۸۳)، چ اول، اصفهان: چهارباغ.
۲۲. لغت نامه، دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷)، ۱۶ جلد، تهران: دانشگاه تهران.
۲۳. معانی و بیان تطبیقی، قاسمی، رضا، (۱۳۸۸)، چ اول، تهران: فردوس.
۲۴. موسیقی شعر، شفیعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۸۹)، چ دوازدهم، تهران: آگاه.